

تحقیقی پیرامون تضمین‌های مالی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مقابل خطرات غیر تجاری

مهدی حدادی*

چکیده

در سالهای اخیر، با توجه به نقش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورهای، توجه ویژه‌ای به رفع موانع رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه معطوف شده است. در کنار وضع قوانین جدید سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و نیز انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با کشورهای صادرکننده سرمایه، فراهم کردن تضمین‌های مالی برای سرمایه‌گذاران خارجی در مقابل خطرات غیر تجاری، یکی از شیوه‌های آماده‌سازی محیط سرمایه‌گذاری در این کشورهاست. از این رو، به منظور تسریع روند جریان سرمایه‌گذاری، تقریباً اکثر کشورهای توسعه یافته طرح‌های بیمه ملی را برای تضمین سرمایه‌گذاری اتباعشان در کشورهای در حال توسعه در مقابل خطرات غیر تجاری فراهم کرده‌اند. در کنار این طرح‌ها و به عنوان شیوه مکمل، مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه‌ای به وجود آمده که می‌تواند محیط سرمایه‌گذاری را با ارایه تضمین‌های مالی بهبود بخشد.

مقدمه

بی تردید، لازمه رشد و توسعه اقتصادی و نخستین شرط برای ورود به میدان هرگونه فعالیت اقتصادی همانا در اختیار داشتن سرمایه است، سرمایه‌ای که می‌تواند داخلی یا خارجی باشد. با توجه به این امر که سرمایه‌های داخلی از لحاظ کمی و کیفی در قیاس با سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری دارای محدودیت‌هایی است، بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در هرگونه اقتصادی و با هر درجه‌ای از رشد و توسعه از اولویت به مراتب بیشتر و بالاتری برخوردار است^۱. بر خلاف تصور اولیه مبنی بر این که جریان سرمایه‌های خارجی بیش‌تر به سوی کشورهای در حال توسعه در جریان است، با نگاهی به آمار و ارقام مشاهده می‌گردد که بیشترین حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای پیشرفته صنعتی صورت می‌گیرد. علت این امر نیز ناشی از وجود ساختارهای اقتصادی، حقوقی، سیاسی با ثبات در این کشورها می‌باشد.

در مقابل، کشورهای در حال توسعه به رغم نیاز فراوان به سرمایه‌گذاری خارجی، در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی، حجم ناچیزی از سرمایه‌گذاری خارجی را به خود اختصاص داده‌اند. البته این دسته از کشورها نیز توانسته‌اند در دهه‌های اخیر میزان بیش‌تری از سرمایه‌های خارجی را به سوی کشور خود جلب نمایند. برای مثال، در سال ۱۹۹۷ کشور چین با جذب ۴۵ میلیارد دلار که رکورد جدیدی برای این کشور به شمار می‌آید، به تنهایی ۳۵ درصد از جریان ورود سرمایه به کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده است^۲. کشورهای شرق آسیا به اضافه حوزه پاسیفیک و امریکای لاتین نیز در این عرصه با چین رقابت می‌نمایند.

با این وجود، هنوز موانعی در برابر ورود جریان سرمایه‌های خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه وجود دارد. عدم ثبات در قوانین، عدم امنیت و ثبات اقتصادی، زمینه‌های فرهنگی و سیاسی، بازارهای سرمایه، نوسانات ارزی و... از جمله موانع سرمایه‌های خارجی می‌باشد. پاره‌ای از موانع، که شاید مهمترین نیز باشند، موانع بزرگ دارای ماهیت غیرتجاری (مانند جنگ داخلی، سلب مالکیت، نقض قرارداد به دلایل سیاسی و اعمال محدودیت مربوط به نقل و انتقال پول...) است.

برای رفع این موانع و تشویق سرمایه‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه، اقداماتی در

سطح ملی و بین‌المللی صورت گرفته است. وضع قوانین مناسب در داخل کشورهای در حال توسعه، انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری میان کشورهای در حال توسعه (کشورهای میزبان) و کشورهای پیشرفته صنعتی (کشورهای صادرکننده سرمایه) به منظور حمایت از سرمایه‌های خارجی از این جمله است که البته مقصود مقاله حاضر، بررسی این شیوه‌ها نیست. در کنار شیوه‌های مذکور، یکی از راه‌کارهای مناسب برای تسریع روند جریان سرمایه در سطح بین‌المللی، ارائه تضمین‌های مالی و پوشش بیمه‌ای از سوی کشورهای صادرکننده سرمایه و نیز مؤسسات مالی بین‌المللی است که حاضر به بررسی این شیوه و اثرات آن بر جریان سرمایه‌های خارجی می‌پردازد. لذا قسمت نخست مقاله به طرح‌های بیمه ملی سرمایه‌های خارجی که از سوی کشورهای صادرکننده سرمایه (کشورهای پیشرفته صنعتی) ارائه می‌گردند، می‌پردازد و سپس، مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چند جانبه و عملکرد آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. طرح‌های بیمه ملی سرمایه‌گذاری خارجی

از جمله شیوه‌هایی که طی آن، کشورهای صادرکننده سرمایه در کاهش خطرات سیاسی (غیرتجاری) مربوط به سرمایه‌های خارجی مشارکت کرده‌اند، ارائه طرح‌های بیمه ملی نسبت به سرمایه‌هایی است که توسط اتباعشان در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری شده است. اصولاً سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و نیز دیگر بخش‌های جهان، خطرات بزرگ با ماهیت غیرتجاری (مانند جنگ داخلی، تحریم اقتصادی، سلب مالکیت، نقض قرارداد به دلایل سیاسی و اعمال محدودیت ارزی) را در پی دارد.^۲ خطرات سیاسی از جمله عواملی هستند که هزینه‌های پیش‌بینی شده سرمایه‌گذاری را در کشور میزبان افزایش می‌دهند، لذا وجود پوشش بیمه‌ای مناسب در خصوص خطرات سیاسی می‌تواند سبب کاهش این هزینه‌ها گردد. سرمایه‌گذاران نیز تمایل دارند تا بیمه‌هایی که خطرات سیاسی را پوشش می‌دهد، به دست آورند ولی خطرات مزبور به قدری بزرگ هستند که بیمه‌گران خصوصی به آسانی حاضر به دادن پوشش بیمه‌ای نیستند. از طرف دیگر، حق بیمه‌ای نیز که بیمه‌گران خصوصی در این مورد پیشنهاد می‌کنند، برای سرمایه‌گذاران زیاد می‌باشد. لذا برای تسهیل و سرعت بخشیدن به جریان

سرمایه گذاری خارجی، در اغلب کشورهای غربی و نیز سایر کشورها، طرح‌هایی ایجاد شده‌اند که بر اساس آن، چنین بیمه‌هایی در مقابل حق بیمه معقولی اعطا می‌شود.^۴

اصولاً کشورهای صادرکننده سرمایه، از ارایه این گونه طرح‌ها دو هدف را دنبال می‌کنند: هدف اول عبارت از آن است که سرمایه‌گذاران خصوصی را تشویق نمایند تا در کشورهای در حال توسعه مورد نظر خود سرمایه‌گذاری نمایند و بدین وسیله، بر آثار و نتایج کمک‌های اعطایی شان در جهت توسعه کشورهای مذکور بیفزایند. از طرف دیگر، این کشورها قصد دارند صنعت خود را از طریق این طرح‌ها ترویج دهند. به عبارت دیگر، این شیوه نوعی کمک مالی پنهان دولت به صادرات می‌باشد.^۵ بنابراین این گونه طرح‌های بیمه ملی سرمایه‌گذاری، هدفی بیش از یک خدمت صرفاً بیمه‌ای را مد نظر دارد و می‌تواند به عنوان ابزار سیاست توسعه اقتصادی کشور مادر قرار گیرد.^۶ این قسمت به بررسی شرایط و نحوه عملکرد این نوع طرح‌ها می‌پردازد.

۱-۱. سابقه تاریخی

از آن‌جا که سرمایه‌گذاری خصوصی وسیله‌ای مهم برای توسعه بین‌المللی است، ابتدا ایالات متحده آمریکا و سپس دیگر کشورهای صادرکننده سرمایه، طرح‌هایی را در سطح ملی برای حراست از سرمایه‌گذاری‌های خارجی اتباعشان در برابر مخاطرات سیاسی اندیشیدند. در این راستا، نخستین طرح ملی توسط ایالات متحده بر اساس "قانون همکاری اقتصادی آمریکا ۱۹۴۸" ارایه گردید. هدف این قانون، ارایه تضمین‌های سرمایه‌گذاری در خصوصی بازسازی اروپای بعد از جنگ بود. "قانون تضمین متقابل سال ۱۹۵۱"^۷ طرح‌های مذکور را به دیگر مناطق جغرافیایی تسری داد اگر چه بر اساس دو قانون تضمین متقابل سال ۱۹۵۹، برنامه مورد بحث به کشورهای در حال توسعه محدود گردید.^۸ امروزه ایالات متحده از این طریق، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه مورد نظر خود را تشویق می‌کند.

طرح‌های مشابهی نیز توسط بیش از دوازده کشور توسعه یافته، عمدتاً عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، به اجرا گذاشته شده است. از جمله می‌توان به کشورهای مانند ژاپن، انگلستان، آلمان، فرانسه، استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، ایتالیا، هلند،

نروژ، سوئیس و زلاندنو اشاره کرد.^{۱۱}

برای مثال، طرح ژاپن در سال ۱۹۵۶ به اجرا گذاشته شد، آلمان فدرال نیز در سال ۱۹۵۹ برنامه تضمین سرمایه‌گذاری را بر پایه تخصیص به عمل آمده در قانون بودجه این سال تنظیم نمود.

در قوانین بودجه سال‌های بعد نیز تحقیقات مشابهی صورت گرفت. طرح نروژ در سال ۱۹۶۴ و طرح‌های استرالیا و دانمارک در سال ۱۹۶۶ به مرحله اجرا در آمدند.

۱-۲. نحوه عملکرد طرح‌های بیمه ملی سرمایه‌گذاری

به منظور ارایه چنین پوشش‌های بیمه‌ای، در کشورهای ارایه‌کننده این طرح‌ها، مؤسسات یا شرکت‌های دولتی یا شبه دولتی توسط دولت ایجاد شده‌اند. برای مثال، در ایالات متحده امریکا "شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار"^{۱۲}؛ در استرالیا، "شرکت صادرات، مالیه و بیمه"^{۱۳}؛ در دانمارک، "مؤسسه توسعه بین‌المللی دانمارک"^{۱۴}؛ در نروژ "مؤسسه نروژی برای کمک به توسعه"^{۱۵}، در ژاپن "بخش بیمه صادرات وزارت تجارت بین‌الملل و صنعت"^{۱۶} و کانادا "شرکت توسعه صادرات"^{۱۷} تأسیس شده‌اند. کشورهای دیگری مانند فرانسه، سوئد، سوئیس، آلمان و انگلستان نیز برای سرمایه‌گذاری‌های اتباعشان در خارج، پوشش بیمه‌ای و مؤسسات مربوط به آن را ایجاد کرده‌اند. طرح‌های بیمه ملی از لحاظ نحوه اجرا به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند:

یک دسته از طرح‌های بیمه ملی، زمانی در کشور میزبان پوشش بیمه‌ای ارایه می‌دهند که موافقت‌نامه‌ای دو جانبه میان کشوری که طرح را پیشنهاد می‌کند و کشور میزبان (سرمایه‌پذیر) منعقد گردد. در این نوع طرح‌ها، پوشش بیمه ملی فقط نسبت به سرمایه‌گذاری‌هایی که در کشورهای طرف موافقت‌نامه‌ها انجام گرفته‌اند، قابل اجرا خواهد بود. به عبارت دیگر، این گونه طرح‌ها، نه تنها توسط مؤسسات دولتی اجرا می‌گردد، بلکه اغلب با موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی مرتبط هستند. این موافقت‌نامه‌ها یک شالوده حقوقی را پایه‌ریزی می‌کنند که بر اساس آن، طرح بیمه به اجرا در می‌آید.^{۱۸} یکی از اهداف اصلی انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی، شناسایی جانشینی شرکت یا مؤسسه دولتی نسبت به حقوق سرمایه‌گذاران تحت پوشش می‌باشد (بحث جانشینی

در صفحات آتی مطرح خواهد شد).

از جمله این طرح‌ها می‌توان طرح‌های ایالات متحده آمریکا، آلمان و دانمارک اشاره نمود برای مثال پوشش بیمه "شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار" مشروط به موافقت کشور میزبان است. برای این منظور ایالات متحده آمریکا، برای انعقاد معاهدات تضمین سرمایه‌گذاری با کشور میزبان وارد مذاکره می‌شود. در این موافقت‌نامه‌ها، مسأله جانشینی شرکت و نیز رجوع به داوری بین‌المللی در صورت بروز اختلاف پیش‌بینی می‌گردد.^{۱۹} در طرح آلمان نیز از جمله شرایط عبارت از این است که معاهده‌ای با کشور میزبان منعقد شود که طی آن تضمین‌های مناسب اخذ شود.^{۲۰}

دسته دوم طرح بیمه ملی، انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه با کشور میزبان (سرمایه‌پذیر) را نیاز ندارد. برای مثال، در طرح‌های کانادا، استرالیا و نروژ شرط انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه وجود ندارد. ولی این طرح‌ها در کشورهایی در مورد سرمایه‌گذاران اجرا می‌شود که از سوی کشور میزبان، عمدتاً به صورت کتبی و در قوانین داخلی کشور، تضمین مناسب داده شود که شرکت یا مؤسسه مذکور به عنوان جانشین نسبت به حقوق سرمایه‌گذار مورد شناسایی قرار گیرد.

برای مثال، ماده ۳۴ (۲) (د) قانون توسعه صادرات کانادا (۱۹۶۹) مقرر می‌دارد: دولت کشور سرمایه‌پذیر متعهد می‌شود که در صورت پرداخت خسارت توسط شرکت توسعه صادرات (EDC) یا هر جبران خسارتی که بر اساس قرارداد بیمه به سرمایه‌گذار پرداخت می‌شود، شرکت صادرات توسط دولت سرمایه‌پذیر به عنوان جانشین نسبت به حقوق سرمایه‌گذار شناخته شود. لازم نیست چنین تضمینی توسط دولت میزبان (سرمایه‌پذیر) در موافقت‌نامه دو جانبه میان کشور میزبان و کانادا درج شود. در صورتی که شیوه دیگری مشخص نشده باشد، تضمین بایستی کتبی باشد.^{۲۱}

در بعضی از طرح‌ها نیز ممکن است به هر دو شیوه عمل نمایند، بدین معنا که در بعضی موارد، کشور صادرکننده سرمایه و ارایه دهنده طرح اقدام به انعقاد موافقت‌نامه دو جانبه با کشور میزبان نماید یا خواستار تضمین کتبی از سوی آن کشور باشد، برای مثال طرح‌های آلمان و فرانسه و دانمارک بدین نحو عمل می‌نمایند.^{۲۲}

طرح تضمین سرمایه‌گذاری، در بادی امر مانند مؤسسات بیمه خصوصی عمل می‌کند.

قراردادی بین سرمایه‌گذار و مؤسسه مجری طرح منعقد می‌گردد. در این قرارداد سرمایه‌گذار متعهد می‌گردد حق بیمه‌ای را پرداخت نماید و مجری طرح نیز ملزم است تا هرگونه خساراتی را که ممکن است از خطرات معینی ناشی شود، جبران نماید. به استثنای تضمین وسیع طرح ایالات متحده امریکا که تمام خسارات وارده بر سرمایه‌گذار را تا ارزش اسمی تضمین پوشش می‌دهد، بر اساس طرح‌های کشورهای دیگر، سرمایه‌گذار ملزم است که بخشی از خسارات را خود به عهده بگیرد. برای مثال در مورد طرح آلمان و نروژ حداقل ۱۰ درصد و در مورد طرح ژاپن، ۲۵ درصد از مبلغ خسارت را سرمایه‌گذار به عهده می‌گیرد.^{۲۳}

هم چنین پوشش بیمه ممکن است از لحاظ زمانی محدود شود. بر اساس طرح آلمان، پوشش تضمین سرمایه‌گذار شده بعد از چهار سال به تدریج کاهش می‌یابد. حداکثر مدت زمان تضمین، معمولاً پانزده سال است و در موارد استثنایی بیست سال می‌باشد. حداکثر مدت زمان طرح ایالات متحده امریکا بیست سال است و در نروژ این مدت عبارت از سیزده سال می‌باشد.^{۲۴}

به محض وقوع یکی از خطرات سیاسی و خسارت، سرمایه‌گذار ادعای خود را به مؤسسه دولتی مربوطه ارایه خواهد نمود. شرکت یا مؤسسه مزبور به بررسی این مسأله می‌پردازد که آیا آن حادثه در چهارچوب شرایط پوشش قرار می‌گیرد. در صورت بروز اختلاف، سرمایه‌گذار و شرکت یا مؤسسه مربوطه، ممکن است به داوری متوسل شوند. برای مثال در ایالات متحده، هرگونه اختلاف میان سرمایه‌گذار و شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار از طریق داوری حل و فصل می‌گردد.^{۲۵} در پاره‌ای از موارد هم مشاهده شده است که شرکت مذکور برای این که حداقل جبران خسارت را پرداخت کند، نزد داوران از موقعیت کشور در حال توسعه دفاع نموده است.^{۲۶}

پس از این که بیمه‌گر خسارات وارده به سرمایه‌گذار را پرداخت نمود، عملاً در مورد حقوق او، جانشین سرمایه‌گذار می‌گردد. با این وجود، در طرح‌های بیمه ملی مقرر می‌گردد که سرمایه‌گذار هرگونه اقدام قضایی لازم را برای کاهش خسارت آغاز نماید و بر اساس دستورات بیمه‌گر اقدام نماید.^{۲۷}

۳-۱. سرمایه گذاران واجد شرایط

در این خصوص نیز طرح‌های بیمه ملی به دو دسته تقسیم می‌شوند: بر اساس پاره‌ای طرح‌ها، سرمایه گذارانی می‌توانند تحت پوشش چنین بیمه‌هایی قرار گیرند که تابعیت کشور طرح دهنده را داشته یا در آنجا اقامتگاه داشته باشند. برای مثال، بر اساس حقوق ایالات متحده آمریکا، فقط اتباع این کشور، شرکت‌ها یا مؤسساتی که بر اساس قوانین ایالات متحده تشکیل شده‌اند و اساساً به طور مؤثر تحت تملک اتباع امریکایی قرار دارند و شرکت‌های خارجی که کلاً تحت تملک اتباع این کشور باشند، می‌توانند از این طرح‌ها منتفع شوند.^{۲۸} طرح ژاپن نیز برای اتباع ژاپن یا شرکت‌هایی که بر اساس قوانین ژاپن به وجود آمده‌اند، قابل استفاده می‌باشد. در مورد آلمان نیز شرکت‌هایی که در آلمان اقامتگاه داشته باشند، تحت پوشش قرار می‌گیرند.^{۲۹}

از طرف دیگر، در بعضی از قوانین کشورها، سرمایه گذاران بیشتری تحت پوشش طرح بیمه ملی قرار می‌گیرند. برای مثال، ماده ۳۳ قانون توسعه صادرات کانادا ۱۹۶۹^{۳۰} سرمایه گذاران واجد شرایط که می‌توانند از طرح بیمه منتفع شوند، به عنوان کسانی معرفی می‌کند که در کانادا به امور تجاری یا سایر فعالیت‌ها مشغول باشند. ذکر این نکته ضروری است که ماده ۳۳ قانون مذکور، سرمایه گذار را ملزم به تحصیل تابعیت کانادا یا اقامت دائم در آن کشور نمی‌کند. اما از نظر این قانون، آن دسته از سرمایه گذارهایی در خارج تحت پوشش بیمه ملی قرار می‌گیرند که برای کانادا نفع اقتصادی در پی داشته باشند.^{۳۱}

این شیوه در استرالیا، سوئد و انگلستان نیز پذیرفته شده است. برای مثال، بر اساس ماده ۲ قانون تضمین سرمایه گذاری و صادرات انگلستان ۱۹۹۱^{۳۲} هر شخصی که در انگلستان به فعالیت تجاری مشغول است، خواه به طور فردی یا از طریق شرکتی که مستقیماً یا غیرمستقیم توسط او کنترل می‌شود در خصوص هر نوع سرمایه گذاری در شرکت‌هایی که در خارج از انگلستان فعالیت می‌کنند، یا در خصوص تضمین‌هایی که توسط آن شخص مورد سرمایه گذاری‌های اشخاص دیگر در چنین شرکت‌هایی داده می‌شود، واجد شرایط پوشش طرح بیمه ملی می‌باشند.^{۳۳}

۴-۱. سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط

در بسیاری از طرح‌های بیمه ملی، در مورد سرمایه‌های واجد شرایط تا حدودی وحدت شکلی وجود دارد. از جمله سرمایه‌هایی که تحت پوشش این گونه طرح‌ها قرار می‌گیرند: خسارت مربوط به سهام، حق امتیاز، حق اختراع، درآمد یا منافع و لوازم یا اموال دیگر از این نوع می‌باشند.^{۳۴}

در بعضی از طرح‌ها، نوع سرمایه‌گذاری و شرایط کشور میزبان نیز مورد لحاظ قرار می‌گیرند. برای مثال، در پاره‌ای از طرح‌ها از جمله استرالیا و دانمارک، سرمایه‌گذاری‌ها برای واجد شرایط بودن باید جدید و مستقیم بوده، بتوانند به توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور میزبان کمک نموده و دولت میزبان نیز چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را تصویب نماید.^{۳۵} همچنین بر اساس قانون تضمین سرمایه‌گذاری و صادرات انگلستان (۱۹۹۱) پوشش بیمه فقط برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم جدید قابل اعمال است.^{۳۶}

۵-۱. خطرات سیاسی تحت پوشش

نکته‌ای که در این خصوص بایستی مورد توجه قرار گیرد، عبارت از آن است که هدف از ارائه طرح‌های بیمه ملی، تأمین خسارات وارده بر اموال تحت تملک تبعه، در مقابل خطرات سیاسی تا خطرات اقتصادی است. دلیل این امر نیز به آسانی قابل درک است زیرا پذیرش خطرات اقتصادی در زمینه سرمایه‌گذاری و تجارت، یک اصل اولیه است، به علاوه برای خطرات اقتصادی از قبیل آتش‌سوزی یا خسارت ناشی از سرقت و... سرمایه‌گذاران می‌توانند از طریق شرکت‌های خصوصی بیمه، اقدام نمایند. ولی در مورد خطرات سیاسی، به دلیل بزرگ بودن این خطرات، شرکت‌های خصوصی بیمه حاضر به پوشش دادن این نوع خطرات نیستند. در اکثر طرح‌های بیمه ملی، خطرانی مانند جنگ، سلب مالکیت اموال و تبدیل ناپذیری (عدم تسعیر) پول رایج، نقل و انتقال پول و سایر خطرات سیاسی قابل بیمه هستند.

برای مثال، ماده ۳۴ قانون توسعه صادرات کانادا، خطرات قابل بیمه را بر شمرده است:

الف. جنگ، شورش، طغیان و انقلاب؛

ب. سلب مالکیت اموال، توقیف یا ممنوعیت استفاده یا تصرف مطلق هر مال توسط دولت یا

نهاد وابسته به آن؛

- ج. هر اقدامی غیر از موارد مذکور در بند "ب" توسط دولت یا نهاد وابسته به آن که سرمایه گذار را از هر گونه حقوق مرتبط با سرمایه محروم کند؛
- د. هر اقدامی توسط دولت یا نهاد وابسته که انتقال پول یا نقل مکان هر مالی از آن کشور را ممنوع یا محدود سازد.^{۳۷}

بر اساس قانون تضمین سرمایه گذاری و صادرات انگلستان (۱۹۹۱) نیز پوشش بیمه‌ای در خصوص زیان‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جنگ، سلب مالکیت، محدودیت‌های مربوطه به نقل و انتقال پول و سایر خطرات سیاسی خاص که کار این سرمایه گذاری را به طور اساسی مختل نمایند، ارایه می‌گردد.^{۳۸}

بر اساس طرح ایالات متحده، خطرات قابل بیمه علاوه بر موارد پیش گفته شامل لغو تعهدات قرارداد و نزاع خصوصی نیز می‌گردد.^{۳۹} همچنین سرمایه گذاران می‌توانند خطرات سیاسی خاصی را که می‌خواهند در مقابل آنها مورد تضمین واقع شوند، انتخاب نمایند و حق بیمه مقرر برای هر خطر را نیز پرداخت نمایند.^{۴۰}

۱-۶. مسأله جاننشینی

در هر دو نوع طرح بیمه ملی که قبلاً معرفی شد، یک شرط اساسی وجود دارد، بدین معنا که چنانچه منافع قابل بیمه در کشور سرمایه پذیر مورد زیان واقع شوند، پس از پرداخت خسارت وارده توسط بیمه گر (مؤسسه مربوط) وی نسبت به منافع قانونی، جانشین سرمایه گذار خواهد شد. با این وجود، شیوه شناسایی این حق توسط کشور میزبان در دو دسته طرح بیمه ملی متفاوت می‌باشد.

در طرح‌های کشورهایمانند ایالات متحده، ژاپن، آلمان فدرال و انگلستان، این امر از طریق انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه میان این کشورها و کشور میزبان (سرمایه پذیر) حاصل می‌گردد. در این نوع طرح‌های بیمه ملی، سرمایه گذار نزد دولت (مؤسسه مربوط) که نقش بیمه گر را بازی می‌کند، اقدام به بیمه سرمایه گذاری می‌کند. پس از پرداخت خسارت توسط بیمه گروى جهت اخذ حقوق بیمه گذار در مقابل دولت میزبان، جایگزین وی گردد. در این شیوه، از آن جا

که پوشش بیمه فقط در کشورهایی ارایه می‌گردد که موافقت‌نامه تضمین سرمایه‌گذاری متقابل دوجانبه با کشور صادرکننده سرمایه منعقد کرده باشند و از جمله موضوعات اساسی این موافقت‌نامه‌ها مسأله جانشینی بیمه‌گر می‌باشد، پس از پرداخت خسارت حادثه توسط بیمه‌گر، دو کشور در مقابل هم قرار خواهند گرفت. دولت میزبان نمی‌تواند از این امر شانه خالی کند، زیرا قبلاً با امضای معاهده تضمین سرمایه‌گذاری متقابل، تعهد به انجام آن کرده است.^{۴۱} در این شیوه، با توجه به پیش‌بینی داوری بین‌المللی در موافقت‌نامه دوجانبه، در صورت بروز اختلاف در خصوص مسأله جانشینی و حقوق بیمه‌گذار، امکان رجوع به محاکم داوری بین‌المللی به راحتی فراهم می‌باشد.

برای مثال، در ماده ۷ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری سوئیس بیان شده است:

«در جایی که یک طرف متعاقد در خصوص سرمایه‌گذاری اتباع خود در سرزمین طرف متعاقد دیگر تضمین مالی بر ضد خطرات غیر تجاری اعطا می‌کند و پرداختی نیز توسط متعاقد اول به اتباع خود در این زمینه انجام گرفته است، طرف متعاقد دیگر بر اساس اصل جانشینی نسبت به حقوق سرمایه‌گذاران، حقوق متعاقد نخست را مورد شناسایی قرار خواهد داد».^{۴۲}

در نوع دوم طرح‌های بیمه ملی، مانند سیستم کانادا که اجرای طرح منوط به انعقاد موافقت‌نامه دوجانبه نیست، کشور میزبان با تضمین کتبی، عمدتاً در قوانین داخلی خود رضایت خود را در مورد جانشینی دولت بیمه‌کننده (مؤسسه مربوطه) نسبت به حقوق سرمایه‌گذاران اعلام می‌کند.

البته این نگرانی وجود دارد که اصل جانشینی ممکن است به برخورد میان دولت‌ها منجر شود، به ویژه در مواردی که سلب مالکیت‌های وسیع پروژه‌های تصویب و بیمه شده در کشورهای در حال توسعه، بدون جبران خسارت صورت گیرد. از جمله می‌توان به دعوی یکی از نمایندگی‌های ایالات متحده (شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماوراوی بحار که مسئول اجرای طرح بیمه ملی ایالات متحده است) بر علیه دولت ایران در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده اشاره کرد. مؤسسه مذکور بر اساس رأی دیوان، اجازه یافت تا دعوی خود را علیه دولت ایران در دیوان مطرح نماید.^{۴۳} در حالت سلب مالکیت بدون جبران خسارت، کشور صادرکننده معمولاً برنامه تضمین سرمایه‌گذاری را در کشور میزبان به حالت تعلیق درآورده یا متوقف

می‌کند. برای نمونه، می‌توان به تعلیق برنامه‌های بیمه شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار در اتیوپی و شیلی در دهه اول ۱۹۷۰ اشاره کرد^{۴۴}. دو کشور مذکور اقدام به سلب مالکیت وسیع پروژه‌های بیمه شده کرده بودند و حاضر به پرداخت جبران خسارت نیز نبودند.

۱-۷. مشکلات طرح‌های بیمه ملی

یکی از محدودیت‌های بزرگ طرح‌های بیمه ملی عبارت از آن است که اغلب این طرح‌ها فقط در مورد اتباع کشور خاص و منافع قابل بیمه که به اتباع یا شرکت‌های این کشورها تعلق دارند، قابل استفاده است. حتی در مورد طرح بیمه ملی کانادا که شرط تابعیت سرمایه‌گذار یا اقامت او مطرح نیست، لازم است سرمایه‌گذار نشان دهد که سرمایه‌گذاری برای کانادا منفعی در پی دارد. بنابراین، می‌توان گفت هر کشوری که طرح بیمه ملی سرمایه‌گذاری را تأسیس می‌کند، از آن به عنوان وسیله‌ای برای تشویق اتباع خود در جهت سرمایه‌گذاری در خارج و نیز سیاست توسعه اقتصادی استفاده می‌کند.

از طرف دیگر، میان تدابیر و قواعد مربوط به اجرای طرح‌های بیمه ملی تفاوت‌هایی وجود دارد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته به منظور توسعه بازارهایشان از طریق چنین طرح‌هایی (بیمه) با یکدیگر رقابت می‌کنند و کمک‌های مالی زیادتری را به اتباع خود اعطا می‌کنند. اگرچه در حال حاضر کشورها تلاش می‌کنند تا به این رقابت پرخرج پایان دهند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و نیز جامعه اقتصادی اروپا (EEC) تلاش نموده‌اند که قواعد متحدالشکلی برای این طرح‌های مختلف بیمه تهیه نمایند. جامعه اقتصادی اروپا، حتی ایده تأسیس طرح بیمه جامعه اروپا را مطرح کرده است. اگرچه اغلب این تلاش‌ها به شکست منجر شده است زیرا کشورها به دلایلی که برای خودشان قابل قبول است، اصول توافق را نقض می‌نمایند.^{۴۵}

تلاش‌هایی نیز در جهت مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های بیمه ملی صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان به تلاش ایالات متحده در این زمینه اشاره کرد. در سال ۱۹۷۵، مؤسسه‌ای تحت عنوان "گروه بیمه سرمایه‌گذاری ماورای بحار"^{۴۶} توسط شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار با مشارکت شرکت‌های خصوصی بیمه از ایالات متحده و چند کشور

دیگر تأسیس شد. این گروه، نخستین ائتلاف را در مورد خطرات تبدیل ناپذیری (عدم تسعیر) و سلب مالکیت اموال تشکیل داد که نخستین قدم در راه تلاش برای واگذاری طرح بیمه به مؤسسات خصوصی به شمار می‌رفت. این تجربه جدید نیز موفقیت اندکی به دست آورد، زیرا اغلب شرکت‌های خصوصی بیمه فقط حاضر به پذیرش سهم اندکی از خطرات بودند. بر این اساس، قانون اصلاحات مربوط به شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی ماورای بحار ۱۹۷۸، شرکت مذکور را از انعقاد موافقت‌نامه تقسیم خطر با شرکت‌های خصوصی بیمه یا اشخاص برای انجام تعهد مستقیم بیمه جز در شرایط خاص و منصفانه منع می‌کند.^{۲۷}

به هر حال، می‌توان ادعا کرد که این شیوه حمایت از سرمایه‌گذاران به رغم مشکلات خاص خود در روند جریان سرمایه‌های خارجی تأثیر بسزایی داشته است. اصولاً یک برنامه تضمین سرمایه‌گذاری که توسط کشورهای صادرکننده سرمایه با همکاری کشورهای در حال توسعه انجام می‌گیرد، می‌تواند تا حدی از بار مشکلات مربوط به خطرات غیرتجاری به ویژه سلب مالکیت، بکاهد. در مرحله اول، طرح بیمه ملی سرمایه‌گذاری احتمال سلب مالکیت را کاهش می‌دهد زیرا همانگونه که ملاحظه گردید، این گونه بیمه‌ها مشروط به تصویب طرح‌ها توسط دولت میزبان می‌باشد. در مرحله دوم نیز در صورت سلب مالکیت، جبران فوری خسارت می‌تواند نسبت به سرمایه‌گذار تحت پوشش طرح، انجام گیرد. در این صورت، مجری طرح که حقوق جانشینی سرمایه‌گذار را به دست آورده است، شیوه‌های حل و فصل مورد توافق را پی‌گیری می‌نماید یا اینکه دولت متبوع سرمایه‌گذار می‌تواند از ادعای خود در مورد غرامت صرف نظر کند.

۲. مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه

۲-۱. ضرورت تشکیل مؤسسه

بی‌تردید، احساس عدم امنیت برای سرمایه‌گذاران خارجی، بزرگترین مانع بر سر راه جریان سرمایه‌گذاری خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در مبحث قبل، این نکته روشن شد که از یک سو به دلیل نیاز به تأمین جریان مداوم سرمایه‌گذاری به سمت کشورهای در حال توسعه و بهبود شرایط سرمایه‌گذاری در این کشورها و از طرف دیگر، منافع سرشاری که

این گونه سرمایه گذاری‌ها برای کشورهای صادرکننده سرمایه در پی دارد، باعث گردیده است که کشورهای صادرکننده سرمایه برای ایجاد یک محیط مطلوب تر و به دور از هرگونه احساس خطر نسبت به منافع سرمایه گذاران خصوصی، اقداماتی را از جمله ارایه طرح‌های بیمه ملی برای تشویق و حمایت از سرمایه گذاری‌های خصوصی خارجی اتباع خود، به عمل آورند. با وجود این که ارایه طرح‌های بیمه ملی در تسریع روند جریان سرمایه‌های خارجی و حمایت از آنها تأثیر زیادی داشته است ولی به دلیل یک جانبه بودن این طرح‌ها و تحت پوشش قرار دادن اتباع کشور خاص، آن هم با شرایط خاص هر کشور، امکان بهره‌مندی کلیه سرمایه گذاران اتباع کشورهای مختلف را از این طرح‌ها غیرممکن ساخته است. حتی در پاره‌ای از مواقع، کشورهای صادرکننده سرمایه اهداف دیگری را از طریق ارایه این طرح‌ها دنبال می‌نمایند.

بنابراین، از آنجا که هنوز خطرات غیرتجاری (سیاسی) سرمایه گذاران خارجی را تهدید می‌کند، وجود مکانیسم‌های بین‌المللی که با هدف صرفاً تشویق سرمایه گذاری خارجی تأسیس شوند و بتوانند به تمام سرمایه گذاران و سرمایه‌های واجد شرایط، پوشش بیمه‌ای ارایه نمایند از ضروریات اقتصاد جهانی به شمار می‌آید. به علاوه، از رویارویی مستقیم کشورها در قضایایی مانند ملی شدن و سلب مالکیت می‌کاهد و منجر به کاهش اختلافات و تنش‌های بین‌المللی می‌شود.

از دهه ۱۹۵۰، بانک جهانی در کنار سایر اقداماتی که به منظور تنظیم رفتار با سرمایه گذاران خارجی صورت داده است، به فکر ایجاد مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چندجانبه افتاد، زیرا معتقد است که وجود خطرات ناشی از مسایل غیرتجاری از جمله عوامل بازدارنده گسترش سرمایه گذاری خارجی است و تضمین سرمایه گذاران در مقابل این خطرات، می‌تواند موجبات تشویق آنها را فراهم کند.^{۴۸}

به رغم تلاش‌های صورت گرفته توسط بانک، تأسیس چنین مؤسسه‌ای تا سال ۱۹۸۵ میسر نگشت. در این سال، پس از توافق در هیئت مدیره، مدیران اجرایی بر اساس گزارش مقدماتی بانک با عنوان "ویژگیهای مؤسسه پیشنهادی تضمین سرمایه گذاری" پیش‌نویس کنوانسیون تأسیس مؤسسه مذکور را تهیه کردند که در ماه مارس ۱۹۸۵ برای بررسی و اظهار نظر دول عضو ارسال گردید. از ژوئن تا سپتامبر همان سال، مدیران اجرایی به همراهی کارشناسان فنی دولتهای

عضو، کمیته‌ای را برای بررسی و تعدیل پیش‌نویس کنوانسیون مزبور تشکیل دادند و پیش‌نویس نهایی در سپتامبر ۱۹۸۵ به تأیید هیئت عامل بانک رسید و برای امضا و تصویب قانونی در کشورهای عضو بانک پیشنهاد شد^{۴۹} و از سال ۱۹۸۸ رسماً کار خود را شروع نمود.

۲-۲. اهداف مؤسسه

ماده دوم "کنوانسیون تأسیس مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه"^{۵۰}، هدف مؤسسه را تشویق جریان سرمایه‌گذاری‌های دارای مقاصد اقتصادی در میان کشورهای عضو مؤسسه و به ویژه کشورهای در حال توسعه عضو بیان می‌کند. اشاره به سرمایه‌گذاری‌های دارای مقاصد اقتصادی تأکیدی است بر تمرکز مؤسسه بر پروژه‌ها و طرح‌های واقعی در تمام بخش‌های اقتصادی و نه صرفاً در بخش تولید.^{۵۱}

در راستای این هدف اصلی، می‌کوشد تا با ارایه تضمین و بیمه، خطرات غیرتجاری را کاهش داده و در نتیجه برای سرمایه‌گذاران کشورهای عضو، نوعی اطمینان خاطر فراهم سازد. این اقدام به همراه ارایه کمک‌های فنی و مطالعاتی به کشورهای در حال توسعه و تسهیل مذاکرات مربوط به برنامه‌ها و سیاست‌های سرمایه‌گذاری میان این ممالک و در عین حال میان آن‌ها و محافل بازرگانی بین‌المللی، جریان سرمایه و تکنولوژی را به سمت کشورهای در حال توسعه که برای نیازهای توسعه‌ای خود به این گونه سرمایه‌ها احتیاج دارند، تسهیل می‌نماید.^{۵۲}

۲-۳. موقعیت و ساختار سازمانی

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون مذکور، مؤسسه عبارت از یک سازمان بین‌المللی است که توسط دولتهای عضو آن ایجاد و اداره می‌شود و بر اساس حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورهای عضو، از شخصیت حقوقی کامل برخوردار است.

فصل هفتم کنوانسیون، به ساختار سازمانی مؤسسه می‌پردازد. هیئت عامل، هیئت مدیره، رییس مؤسسه و کارمندان، ساختار سازمانی مؤسسه را تشکیل می‌دهند. هر کشور عضو دارای یک نماینده در هیئت عامل است که سالانه همزمان با اجلاس سالانه صندوق بین‌الملل پول و بانک جهانی، تشکیل جلسه می‌دهد. هیئت عامل بالاترین رکن اتخاذ تصمیم در مؤسسه است.^{۵۳}

هیئت مذکور، یک هیئت مدیره انتخاب می‌کند که وظیفه آن سیاست‌گذاری برای مؤسسه است و در حال حاضر تعداد مدیران اجرایی ۱۸ نفر است که ۱۱ نفر آنها در عین حال مدیر اجرایی بانک جهانی هم هستند. همچنین، به منظور ایجاد ارتباط تنگاتنگ با بانک جهانی، رییس مؤسسه همان رییس بانک جهانی است.^{۵۴}

۲-۴. سرمایه سازمان

سرمایه اولیه سازمان، یک میلیارد اس دی آر (SDR) معادل ۱۰۸۲ میلیون دلار است که به ۱۰۰ هزار سهم تقسیم شده است. تا پایان ژوئن ۱۹۹۶، مبلغ ۷۸۹/۶ میلیون دلار آن پذیره‌نویسی شده است. پس از پذیره‌نویسی کامل سرمایه یاد شده، در صورت لزوم نسبت به افزایش سرمایه تصمیم‌گیری خواهد شد.^{۵۵}

۲-۵. عضویت، میزان سهام و حق رأی

کلیه اعضای بانک جهانی می‌توانند عضو مؤسسه شوند، اما هیچ الزامی برای عضویت حتمی اعضا در این مؤسسه وجود ندارد.^{۵۶} برای عضویت و اقدام به خرید سهام، باید کنوانسیون پس از امضاء به تصویب مراجع قانونی کشورهای عضو نیز برسد. کنوانسیون نیز زمانی لازم‌الاجرا خواهد شد که حداقل ۵ کشور سرمایه‌گذار و ۱۵ کشور میزبان سرمایه که مجموع سرمایه آنها از یک سرمایه این مؤسسه کمتر نباشد، تصویب گردد.^{۵۷}

میزان سهام هر کشور با توجه به میزان سهام در بانک جهانی تعیین می‌شود و ۱۰ درصد سرمایه پذیره‌نویسی شده نقداً و به ارز قابل تبدیل پرداخت می‌شود، مگر این که کشور متقاضی درخواست کند که ۲۵ درصد مبلغ مزبور را به پول ملی خود تأدیه کند. ۱۰ درصد دیگر سرمایه پذیره‌نویسی شده به صورت سفته غیرقابل انتقال و بدون بهره در اختیار مؤسسه قرار داده می‌شود تا در صورت لزوم نقد شود و ۸۰ درصد، به صورت تعهد عضو به مؤسسه باقی خواهد ماند تا در صورت نیاز مؤسسه، برای تأدیه آن اقدام شود.^{۵۸}

کشورهای عضو مؤسسه به دو گروه کشورهای میزبان (یا کشورهای واردکننده سرمایه) و کشورهای سرمایه‌گذار (یا کشورهای صادرکننده سرمایه) تقسیم می‌شوند. این دو گروه رأی

متناسب با سهام خود خواهند داشت که بر اساس فرمول مشخصی تعیین می‌شود. هر دو گروه دارای تعداد مساوی مدیر اجرایی خواهند بود.^{۵۹}

۲-۶. نحوه رایه تضمین توسط مؤسسه

نحوه عملکرد مؤسسه در خصوص رایه تضمین در فصل سوم کنوانسیون تأسیس مؤسسه ذکر شده است. برای تحت پوشش قرار گرفتن، سرمایه‌گذاری‌ها باید واجد شرایطی خاص باشند. این شرایط عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاران واجد شرایط، سرمایه‌گذاری واجد شرایط و خطرات قابل تضمین.

الف. سرمایه‌گذاران واجد شرایط: برای استفاده از بیمه مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه، سرمایه‌گذارانی که اشخاص حقیقی باشند باید تابعیت یکی از کشورهای عضو به استثنای کشوری که در آنجا سرمایه‌گذاری صورت گرفته (کشور میزبان) را داشته باشند؛ و در صورتی که سرمایه‌گذاران اشخاص حقوقی باشند باید یا در یکی از کشورهای عضو (غیر از کشور میزبان) تشکیل شده و محل اصلی فعالیت آنها نیز در آن کشورها باشد؛ یا اکثریت سرمایه آنها متعلق به کشورهای عضو یا اتباع آنها باشد (غیر از کشور میزبان و اتباعش). همچنین، اشخاص حقوقی خصوصی یا عمومی سرمایه‌گذار در صورتی واجد شرایط خواهند بود که در یک زمینه تجاری فعالیت نمایند.^{۶۰} اگرچه سرمایه‌گذار بهای تحت پوشش، عمدتاً تحت تملک اشخاص حقوقی خصوصی هستند.

در مورد سرمایه‌گذارانی که بیش از یک تابعیت دارند، تابعیت یک کشور عضو بر تابعیت کشور غیر عضو مرجح خواهد بود، و در صورتی که هر دو کشور عضو مؤسسه باشند، تابعیت کشور میزبان بر تابعیت کشورهای دیگر عضو مرجح می‌باشد.^{۶۱}

همچنین، اتباع کشور میزبان سرمایه‌که مایلند دارایی‌های سرمایه‌ای خود را از خارج به کشور منتقل سازند، می‌توانند تحت پوشش تضمین مؤسسه قرار گیرند، مشروط به اینکه سرمایه‌گذار و کشور میزبان مشترکاً تقاضای تضمین نمایند و هیئت مدیره نیز با اکثریت خاص، آن را تصویب

نماید.^{۶۲} این استثناء با هدف اصلی مؤسسه، یعنی تسهیل جریان سرمایه گذاری‌ها به سوی کشورهای در حال توسعه سازگار است، زیرا بسیاری از کشورهای در حال توسعه تابعی دارند که در خارج از کشور، از سرمایه قابل توجهی برخوردارند و این اقدام مؤسسه می‌تواند به بازگشت سرمایه به سوی کشورهای مذکور مؤثر واقع شود.

تعریفی که کنوانسیون از سرمایه‌گذاران واجد شرایط ارایه می‌دهد، مؤسسه را قادر می‌سازد که تضمین یکسانی برای سرمایه‌گذاران کشورهای مختلفی که مشترکاً در یک طرح سرمایه‌گذاری در یک کشور در حال توسعه سهیم هستند فراهم آورد، مشروط بر این که سرمایه‌گذاران از کشورهای عضو مؤسسه باشند. از این رو، مؤسسه تضمینی فراتر از طرح‌های بیمه ملی که منحصرأ برای سرمایه‌گذاران کشورهای طرح دهنده قابل اعمال هستند، در اختیار می‌گذارد.

ب. سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط: کنوانسیون تأسیس مؤسسه، سرمایه‌گذاری‌هایی که می‌توانند تحت پوشش بیمه مؤسسه قرار گیرند را ذکر می‌کند:

سرمایه‌گذاری‌های مالی، اشکال مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم، وام‌های اعطایی میان مدت و بلند مدت و نیز ضمانت وام‌هایی که توسط سرمایه‌گذاران صورت گرفته است، از جمله سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط اند.^{۶۳} اصطلاح "سرمایه‌گذاری مستقیم" اصطلاحی کلی است که قلمرو دقیق آن توسط هیئت مدیره مشخص می‌شود. هیئت مدیره ممکن است اشکال جدید سرمایه‌گذاری مانند قراردادهای خدماتی و مدیریت همچنین قراردادهای امتیاز، اجاره و مشابه مشارکت در تولید را به عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم تلقی کند. این امر که سرمایه‌گذاری انجام شده به صورت نقدی باشد یا جنسی مانند ماشین‌آلات، خدمت، تکنولوژی اهمیت چندانی ندارد.^{۶۴}

به مؤسسه این اجازه داده شده است که در آینده، پوشش بیمه مؤسسه را به دیگر اشکال سرمایه‌گذاری گسترش دهد. برای مثال، هیئت مدیره می‌تواند با اکثریت خاصی پوشش بیمه مؤسسه را به نوعی از سرمایه‌گذاری میان مدت و بلند مدت گسترش دهد، به استثنای وام‌هایی که به سرمایه‌گذاری‌های خاصی که تحت پوشش مؤسسه هستند یا خواهند شد، مرتبط نیستند.^{۶۵} به

عبارت دیگر، وام های غیر از مواردی که در قسمت (a) ماده ۱۲ ذکر شده است، در صورتی به عنوان سرمایه گذاری های واجد شرایط تلقی می شوند که با یک سرمایه گذاری خاصی که تحت پوشش مؤسسه است یا خواهد شد، مربوط باشد.

موسسه از بیمه اعتبارات صادراتی (به هر شکلی که باشد) خودداری می نماید، زیرا از یک سو منابع مالی مؤسسه محدود می باشد و از سوی دیگر، بر اساس کنوانسیون تأسیس، پوشش بیمه ای فقط مربوط به سرمایه گذاری ها می باشد. صادرات فقط تا حدی تحت پوشش مؤسسه قرار می گیرند که در یک سرمایه گذاری خاص مشارکت نمایند. سازمان یا تریبالات توزیع که ابتدا به منظور تشویق صادرات در نظر گرفته شده اند، تحت پوشش بیمه مؤسسه قرار نمی گیرند. زیرا مؤسسه به عنوان یک مؤسسه تضمین سرمایه گذاری فعالیت می نماید و نه به عنوان یک مؤسسه اعتبار صادراتی که مورد اخیر با مؤسسات اعتبار صادراتی رقابت می نماید.^{۶۶}

مؤسسه در راستای هدف اصلی اش، یعنی تشویق جریان سرمایه گذاری خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه و به تبع آن تشویق رشد و توسعه اقتصادی این کشورها، سرمایه گذاری هایی را تضمین می کند که:

- اقتصادی و سودآور باشد و اجرای آن در توسعه اقتصادی اجتماعی کشور میزبان مؤثر

واقع شود؛

- منطبق با قوانین و مقررات کشور میزبان باشد؛

- با اهداف و اولویت های توسعه ای اعلام شده از سوی کشور میزبان هماهنگ باشد.

همچنین، مؤسسه بایستی احراز نماید که شرایط مناسب سرمایه گذاری، از جمله رفتار مناسب و منصفانه و حمایت حقوقی نسبت به سرمایه گذاران مربوطه اعمال خواهد شد.^{۶۷} در صورتی که چنین حمایتی در قوانین داخلی کشور میزبان یا بر اساس معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری مطرح نشده باشد، مؤسسه فقط در صورتی اقدام به تضمین سرمایه گذاری خواهد کرد که با کشور میزبان بر اساس قسمت (ii) (b) ماده ۲۳ کنوانسیون مذکور (تشویق جریان سرمایه گذاری از طریق تلاش برای رفع موانع) یا به نحوی دیگر در مورد رفتار با سرمایه گذاری های تحت پوشش مؤسسه به توافق برسد.^{۶۸}

سرمایه گذاری هایی که توسط مؤسسه مورد تضمین واقع می شوند، بایستی جدید باشند. با

این وجود، سرمایه گذاری هایی که برای توسعه سرمایه گذاری های موجود صورت می گیرد یا عوایدی که به جای انتقال به خارج از کشور میزبان مجدداً سرمایه گذاری شده اند، می توانند تحت پوشش مؤسسه قرار گیرند.^{۶۹}

ج. خطرات قابل تضمین: همانگونه که در مبحث قبل اشاره گردید، هدف از ارایه طرح های بیمه ملی و ایجاد مؤسسه های بین المللی که اقدام به بیمه سرمایه گذاری می نمایند، کاهش زیان های ناشی از خطرات غیر تجاری (سیاسی) و در نتیجه ایجاد اطمینان برای سرمایه گذاران خارجی است که با خیال آسوده در کشورهای در حال توسعه اقدام به سرمایه گذاری نمایند.

لذا کنوانسیون تأسیس مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چند جانبه، فقط خطرات سیاسی را واجد شرایط بیمه می داند. بر این اساس، مؤسسه مانند بسیاری از مؤسسات تضمین سرمایه گذاری در کشورهای مختلف، چهار نوع خطر غیر تجاری را تضمین می کند:

۱. محدودیت های مربوط به انتقال: برای مثال، می توان محدودیت مربوط به برگشت سود و اصل سرمایه و سایر عواید حاصل از سرمایه گذاری به صورت ارز قابل تبدیل به خارج از کشور میزبان را ذکر نمود. تضمین سرمایه گذاری در این حالت شامل ممنوعیت صریح و تلویحی، یعنی تأخیر غیرموجه مربوط به تشریفات زاید اداری در تبدیل و انتقال وجه، می شود.

۲. سلب مالکیت و اقدامات مشابه: این خطر شامل هرگونه اقدام قانونی یا اداری منتسب به دولت میزبان است که به موجب آن، سرمایه گذار از مالکیت یا کنترل یا منافع حاصل از سرمایه گذاری اش محروم گردد. لذا این تضمین هم شامل سلب مالکیت مستقیم می شود و هم سلب مالکیت غیرمستقیم یا خزنده.^{۷۰} تنها استثناء، شامل حالتی می شود که دولت میزبان به منظور کنترل اوضاع اقتصادی کشور به صورت کلی و بدون تبعیض اقدام به سلب مالکیت نماید.

۳. نقض قرارداد: مؤسسه حمایت ویژه ای برای نقض یا لغو قراردادهایی که توسط دولت میزبان صورت می گیرد و در اثر آن زیان هایی به سرمایه گذار وارد می شود؛ فراهم می آورد. البته به منظور اجتناب مؤسسه از درگیری در ماهیت اختلافات سرمایه گذاری، با شرایط ذیل مؤسسه خسارت را پرداخت خواهد کرد:

- سرمایه گذاری برای طرح دعوی خود دسترسی به محاکم قضایی یا داوری نداشته باشد؛

- محاکم مذکور در ظرف مدت معقولی که در قرارداد تضمین متعاقب مقررات مؤسسه پیش بینی شده است، اقدام به صدور حکم نکند؛
 - چنین حکمی نتواند به مرحله اجرا در آید.
۴. جنگ و اغتشاشات داخلی: هرگونه اقدام نظامی یا اغتشاشات داخلی در سرزمین کشور میزبان باعث از بین رفتن یا صدمه دیدن دارایی ها و سرمایه های قابل لمس سرمایه گذار گردد، تحت پوشش بیمه مؤسسه قرار می گیرد. همچنین، پوشش بیمه مؤسسه نسبت به حوادثی که برای یک دوره یکساله منجر به اختلال در عملیات اساسی پروژه ای شوند و در اثر آن زیان های کلی به سرمایه گذار وارد شود، گسترش می یابد.^{۷۱}

۲-۷. نحوه پذیرش درخواست تضمین

برای کسب تضمین از مؤسسه، سرمایه گذاران بایستی قبل از ایجاد تعهد و شروع عملیات سرمایه گذاری، ابتدا یک "تقاضانامه مقدماتی برای تضمین" را ارائه نمایند. این تقاضانامه شامل اطلاعاتی است که به مؤسسه مذکور امکان می دهد تا بررسی نماید که آیا سرمایه گذار و سرمایه گذاری واجد شرایط هستند یا خیر؟ در صورت واجد شرایط بودن، اطلاعیه ثبت تقاضانامه به همراه فرم "تقاضانامه تکمیلی برای تضمین" برای سرمایه گذار ارسال می گردد. تقاضانامه مقدماتی مستلزم هیچ هزینه ای نیست و اطلاعات مندرج در آن محرمانه محسوب خواهد شد.

تقاضانامه تکمیلی بایستی ظرف مدت سه ماه و در صورت موافقت مؤسسه، در زمانی طولانی تر تنظیم و ارسال گردد. این تقاضانامه، اطلاعات جامع تری را همراه با هرگونه مدارک مورد نیاز در مورد پروژه (مانند قرارداد سرمایه گذاری مشترک، مشخصات پروژه و نوع ریسک مورد نظر...) در اختیار مؤسسه قرار می دهد تا امکان ارزیابی خطرات غیرتجاری و اثرات احتمالی سرمایه گذاری در کشور میزبان فراهم شود. در این مرحله نیز هیچ هزینه ای از سرمایه گذار دریافت نمی شود. سپس، مؤسسه بر اساس اطلاعات دریافتی و ارزیابی خود نسبت به قبول یا رد تقاضا تصمیم خواهد گرفت.^{۷۲}

۲-۸. نحوه اعطای تضمین

برای اعطای تضمین، مؤسسه پاره‌ای اقدامات را انجام می‌دهد:

الف. اخذ موافقت کشور میزبان: مؤسسه بر اساس کنوانسیون تأسیس، تنها زمانی می‌تواند یک سرمایه‌گذاری را تضمین و اقدام به انعقاد قرارداد نماید که کشور میزبان مسأله ارایه تضمین توسط مؤسسه را بر ضد خطرات سیاسی مورد نظر را مورد تأکید قرار دهد.^{۳۳} برخلاف طرح‌های بیمه ملی که معمولاً کسب موافقت دولت میزبان بر عهده سرمایه‌گذار می‌باشد، مؤسسه باید خود اقدام به کسب موافقت دولت میزبان کند، مگر این که سرمایه‌گذار تأیید دولت میزبان را همراه تقاضا نامه‌اش ارایه کرده باشد. برای تسریع در امر کسب موافقت کشور میزبان، مؤسسه می‌تواند شیوه‌هایی را ایجاد نماید. از جمله، می‌تواند بر اساس ماده ۳۸ کنوانسیون تأسیس عمل نماید و سکوت کشور عضو را به منزله تأیید آن کشور تلقی کند، مگر این که ظرف مدت معقولی نسبت به اقدام مؤسسه اعتراض نماید.

رضایت قبلی کشور میزبان، این امکان را به او می‌دهد که سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده را مورد ارزیابی قرار دهد و چنانچه آن را با سیاست‌ها و اهداف توسعه خود سازگار نبیند، از پذیرش آن خودداری نماید.

شایان ذکر است که سرمایه‌گذاری‌هایی تحت پوشش بیمه مؤسسه قرار می‌گیرند که در سرزمین کشورهای در حال توسعه عضو انجام شوند. اسامی چنین کشورهایی در فهرست (A) کنوانسیون آمده است.

ب. ارزیابی طرح و خطرات قابل تضمین: مؤسسه قبل از ارایه تضمین، کلیه شرایط از جمله سرمایه‌گذار واجد شرایط، سرمایه‌گذاری و خطرات قابل تضمین را بررسی می‌کند تا اطمینان حاصل کند. برخی از سرمایه‌گذاری‌ها نمی‌توانند توسط مؤسسه تضمین شوند. این سرمایه‌گذاریها عبارتند از: تولید تسلیحات، تولید و توزیع مواد مخدر برای مقاصد دارویی، فعالیت‌هایی که مطابق قوانین کشور میزبان نباشد و طرح‌هایی که ریسک آنها بسیار زیاد است. اگرچه مؤسسه ریسک‌های غیرتجاری را تضمین می‌کند، معهداً اقتصادی بودن سرمایه‌گذاری را نیز بررسی می‌کند. با این حال، مؤسسه در سودآوری طرح سهمی ندارد. در مواردی که

سودآوری طرح متکی به یارانه های دولت، محدودیت های وارداتی، معافیت های مالیاتی و مقررات سهمیه بندی و غیره است، این مسأله باید در بررسی اقتصادی بودن طرح مورد توجه قرار گیرد. وابستگی سرمایه گذاری به چنین عواملی، ریسک های غیر تجاری را بالا می برد زیرا تغییر سیاست های کشور میزبان می تواند موجب ضرر و زیان شود. به همین دلیل، مؤسسه باید اطمینان یابد که سرمایه گذاری صرف نظر از کمک های دولت میزبان دارای توجیه اقتصادی است.^{۷۵}

علاوه بر خود طرح، مؤسسه باید شرایط سرمایه گذاری در کشور میزبان را نیز بررسی کند. در این ارتباط، قوانین و مقررات کشور میزبان در خصوص حمایت از سرمایه گذاری های خارجی مورد توجه خاص قرار می گیرد.

برخلاف بسیاری از بیمه گران که توجه زیادی به ریسک مربوط به کشور میزبان می کنند، مؤسسه توجه زیادی به ریسک خود طرح دارد. لذا این امر این امکان را به او می دهد تا طرح های سرمایه گذاری مناسب را در کشورهای که به لحاظ اقتصادی در وضعیت دشواری قرار دارند، بیمه نماید. بدین ترتیب، باید شکل و اندازه سرمایه گذاری، اهمیت سرمایه گذاری بر کشور میزبان، مکان سرمایه گذاری و قابلیت تغییر مکان دارایی ها، کنترل سرمایه گذاری بر تکنولوژی تولید تا مجاری توزیع کالا، ادامه سرمایه گذاری و تجربه سرمایه گذار در خارج از کشور خود و وجود توافق نامه میان سرمایه گذار و کشور میزبان را بررسی نماید.^{۷۶}

همچنین، مؤسسه باید تأثیر طرح سرمایه گذاری را در توسعه کشور میزبان بررسی کند. این بررسی میزان ارزآوری طرح، تأمین مالیات ها و حق الامتیاز، تأثیر سرمایه گذاری بر واردات، افزایش اشتغال، انتقال تکنولوژی، عرضه مواد اولیه، دسترسی به بازارهای خارجی و تنوع بخشیدن به فعالیت های اقتصادی را شامل می گردد. در این بررسی، همچنین باید تأثیر سرمایه گذاری بر روی محیط زیست و اجتماع نیز مورد توجه قرار گیرد.^{۷۷}

ج. تعیین نرخ تضمین (حق بیمه): از آنجا که مؤسسه باید به طور خودکفا فعالیت کند، از این رو هزینه های مؤسسه غیر از سرمایه های کشورهای عضو از طریق حق بیمه های پرداختی تأمین می گردد. به منظور برقرار نمودن یک مبنا برای تعیین نرخ های حق بیمه برای قراردادهای

مختلف، مؤسسه نرخ‌های مبنا را به سرمایه‌گذاران ارائه نموده است. اصولاً در ارزیابی و تعیین نرخها، ریسک‌های خاص هر نوع پروژه، مبلغ تضمین، نوع سرمایه‌گذاری و شرایط کلی اقتصادی و سیاسی کشور میزبان مورد توجه قرار می‌گیرد.

معمولاً سرمایه‌گذاران در مورد شرایط تضمین با مؤسسه مذاکره می‌نمایند. مؤسسه نیز برخی از تریبالیته‌ها را که نرخ تضمین را پایین می‌آورد، معرفی می‌کند. برای مثال، چنانچه تضمین شونده باید قبل از مراجعه به مؤسسه به داوری بین‌المللی رجوع نماید، نرخ تضمین پایین آورده می‌شود.

معهدا، از آنجایی که مؤسسه اهدافی فراتر از استراتژیک یک شرکت بیمه را دنبال می‌کند، هم با سرمایه‌گذار و هم کشور میزبان همکاری می‌کند تا ریسک‌های غیرتجاری را پایین آورد. در این خصوص، مؤسسه می‌تواند به سرمایه‌گذار توصیه کند که ساختار سرمایه‌گذاری را به منظور کاهش ریسک تغییر دهد. همچنین می‌تواند به کشور میزبان توصیه کند که تمهیداتی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری به عمل آورد.^{۷۷}

د. دوره تضمین: معمولاً مدت استاندارد تضمین‌های مؤسسه ۱۵ ساله است و ممکن است در مواردی که ماهیت پروژه ایجاب کند مدت تضمین تا ۲۰ سال افزایش یابد. مؤسسه هیچگاه نمی‌تواند به قرارداد تضمین خاتمه دهد، مگر در مواردی که تضمین‌شونده به تعهدات خود در قرارداد عمل نکند، اما تضمین‌شونده می‌تواند پس از گذشت سه سال به قرارداد خود با این مؤسسه خاتمه دهد.^{۷۹}

و. مبلغ تضمین: طبق کنوانسیون تأسیس، کل تعهدات مؤسسه به استثنای موارد خاص که هیئت عامل تعیین می‌کند، نباید از ۱/۵ برابر سرمایه پذیره‌نویسی شده و ذخایر، تجاوز کند.^{۸۱} در حال حاضر، مؤسسه تمایل ندارد بیش از ۵ درصد ظرفیت تضمین خود را به یک سرمایه‌گذار واحد اختصاص دهد، به طوری که فعلاً هیچ‌گونه تضمین واحدی که متجاوز از ۲۰۰ میلیون دلار باشد، تعهد نمی‌شود. با توجه به این مسأله، اصولاً مؤسسه می‌تواند حداکثر ۹۰ درصد ارزش سرمایه‌گذاری‌ها را بسته به نوع قرارداد تضمین کند.^{۸۱} مثلاً هرگاه شخصی ۱۰ میلیون در پروژه‌ای

سرمایه‌گذاری کرده باشد، ابتدا می‌تواند تا ۹ میلیون دلار تضمین بخواهد. ولی مبلغ تضمین می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری بالا رود و یا با مستهلک شدن سرمایه، مبلغ تضمین نیز پایین آید.^{۸۲}

سرمایه‌گذاران می‌توانند برای سرمایه‌گذاری آتی خود نیز ترتیبات بیمه فراهم آورند. این‌گونه بیمه‌ها نایستی از ۱۰۰ درصد مبلغ اولیه تضمین بیشتر باشد ولی این مبلغ می‌تواند با تصویب هیئت مدیره افزایش یابد. از سوی دیگر، تضمین شونندگان می‌توانند مبلغ تضمین را پایین آورند.^{۸۳}

ه. پرداخت غرامت: در صورت وقوع حادثه و وارد شدن زیان به سرمایه‌گذار، او می‌تواند جهت دریافت غرامت به مؤسسه مراجعه کند. پرداخت خسارت به وسیله رییس مؤسسه بر اساس دستور هیئت مدیره صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذار بایستی قبل از تقاضای جبران خسارت از مؤسسه، کلیه اقداماتی قانونی و اداری لازم را بر اساس قوانین کشور میزبان برای مطالبات حقوق خود انجام دهد.^{۸۴}

۲-۹. حق جانشینی مؤسسه

مانند طرح‌های بیمه ملی، در خصوص تضمین‌های مؤسسه نیز مسأله جانشینی حقوق و مطالبات سرمایه‌گذار مطرح می‌گردد. بر اساس قرارداد تضمین، سرمایه‌گذار و مؤسسه توافق می‌نماید که در صورت وقوع حادثه و بروز زیان به سرمایه‌گذار و جبران خسارت توسط مؤسسه، مؤسسه، جانشین کلیه حقوق و مطالباتی می‌گردد که سرمایه‌گذار در مقابل کشور میزبان یا دیگران داراست.^{۸۵} همانگونه که قبلاً گفته شد، جانشینی عبارت از یک اصل شناخته شده در حقوق بیمه است.

از طرف کلیه کشورهای عضو از جمله کشورهای در حال توسعه میزبان نیز در ماده ۱۸ (b) کنوانسیون تأسیس خود مؤسسه را به عنوان جانشین سرمایه‌گذار تحت پوشش به رسمیت شناخته‌اند، بنابراین مؤسسه به راحتی می‌تواند کلیه اقدامات قانونی لازم را علیه کشور میزبان پی‌گیری نماید. از جمله امکان رجوع به داوری بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات میان

مؤسسه و کشور میزبان پیش‌بینی شده است.^{۸۶}

هرگونه اختلافی نیز که بین مؤسسه و دارنده تضمین به وجود آید، از طریق داوری و مطابق شرایط قرارداد تضمین، حل و فصل خواهد شد.^{۸۷} توسل به شیوه داوری نشان دهنده نقش مهم این شیوه حل و فصل در رفع اختلافات داخلی و بین‌المللی است. به ویژه در چند دهه اخیر، سرمایه‌گذاران خارجی تمایل زیادی دارند که اختلافات خود را از طریق این شیوه حل و فصل نمایند.

۲-۱۰. ارتباط با نهادهای ملی و منطقه‌ای و همکاری با بیمه‌گران خصوصی و خطرات سیاسی بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون تأسیس، به منظور به حداکثر رساندن کارآیی خدمات و تلاش‌های مؤسسه در جهت جریان رو به رشد سرمایه‌گذاری خارجی، مؤسسه با آن دسته از نهادهای ملی و منطقه‌ای که اکثریت سرمایه آنها به کشورهای عضو تعلق دارد، همکاری نموده و به عنوان مکمل فعالیتهای آنها عمل خواهد کرد. برای این منظور، مؤسسه ممکن است با چنین نهادهایی در خصوص جزئیات همکاری به ویژه در زمینه بیمه اتکایی و جمعی، موافقت‌نامه‌هایی منعقد نماید.^{۸۸}

اهمیت این مقررات از دو جهت قابل تأمل است: نخست این که منابع مؤسسه، مالی و غیرمالی، برای تضمین خطرات سرمایه‌گذاری محدود است و لذا مؤسسه می‌تواند از خدمات نهادهای ملی یا منطقه‌ای موجود استفاده کرده و به عنوان مکمل‌ها عمل نماید؛ ثانیاً سیستم اعطای تضمین علیه خطرات غیرتجاری (سیاسی) در سطح ملی و منطقه‌ای را تشویق نموده و بدین طریق باعث افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در جهت توسعه اقتصادی کشورهای مربوطه خواهد شد.

در همین رابطه، مؤسسه می‌تواند در رابطه با سرمایه‌گذاریهایی خاصی که علیه زبان‌های ناشی از خطرات سیاسی توسط یک کشور عضو یا یک نهاد تحت حمایت کشور عضو یا یک مؤسسه منطقه‌ای تضمین سرمایه‌گذاری که اکثریت آن متعلق به کشورهای عضو است تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند، بیمه اتکایی ارائه دهد. به منظور کاهش خطرات و تعیین حق بیمه متناسب با خطرات، هیئت مدیره اجازه دارد شرایط قرارداد بیمه اتکایی را به نحوی تنظیم کند که نهاد بیمه

شده متعهد گردد سرمایه گذارهای جدید را در کشورهای در حال توسعه عضو تشویق نماید.^{۸۹} مؤسسه ممکن است با بیمه گران خصوصی کشورهای عضو نیز به منظور تقویت فعالیت های آنها و تشویقشان به ارایه بیمه در رابطه با خطرات غیر تجاری در کشورهای در حال توسعه با شرایطی مشابه مؤسسه موافقت نامه هایی را منعقد سازد و از جمله همکاری های مؤسسه با این بیمه گران، ارایه بیمه اتکایی تحت شرایط ماده ۲۰ کنوانسیون و نیز ارایه بیمه اتکایی به هر نهاد بیمه اتکایی در خصوص تضمین هایی که اعطا می کنند، می باشد. مؤسسه به ویژه تلاش خواهد کرد که سرمایه گذارهایی را تضمین نماید که برای آنها پوشش مناسب با شرایط معقول از سوی بیمه گران اتکایی، فراهم نیست.^{۹۰}

بنابراین، هدف مؤسسه رقابت با بیمه گران ملی یا منطقه ای و خصوصی نیست و قصد جایگزینی آنها را ندارد، بلکه تا جایی که امکان داشته باشد در جهت تقویت و مکمل نمودن آنها عمل می کند تا در روند جریان سرمایه گذاری خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه شتاب بیشتری به وجود آید. در حقیقت، مؤسسه سعی می کند تا اعتماد و اطمینان این گونه نهادها را برای ارایه بیمه در مورد خطرات غیر تجاری افزایش دهد تا آنها بدون هراس نسبت به ارایه پوشش بیمه اقدام نمایند. از طرف دیگر، خود مؤسسه می تواند از طریق همکاری با سایر مؤسسات تضمین و بیمه گران در کشورهای مختلف، تضمین سرمایه خود را توسعه دهد.

۲-۱۱. خدمات مشاوره ای و فنی

مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چند جانبه، علاوه بر پوشش بیمه ای علیه خطرات غیر تجاری به منظور بهبود شرایط سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه در جهت جذب سرمایه های خصوصی به این گونه کشورها، در زمینه تنظیم سیاست های لازم و برنامه های اقتصادی و شیوه های استفاده از منابع خارجی و مسایل حقوقی مربوطه کمک های فنی ارایه می دهد. این گونه فعالیت ها تحت عنوان خدمات سیاست گذاری و مشاوره نامیده می شود. همچنین برای جلب توجه جوامع بین المللی به سوی امکانات و محیط مساعدی برای سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه عضو، این مؤسسه به منظور تسهیل مذاکرات بین سرمایه گذاران خصوصی علاقمند و مدیران سیاست گذاران محلی، هر ساله کنفرانسهایی را در کشورهای

مختلف برگزار می‌کند.

خدمات سیاستگذاری و مشاوره از طریق "واحد خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری خارجی" انجام می‌شود. این واحد در سال ۱۹۸۶ توسط مؤسسه مالی بین‌المللی ایجاد شد و در اواخر سال ۱۹۸۸ با مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه همکاری مشترک خود را شروع کرد. به علاوه، این واحد با بانک جهانی همکاری نموده و از تجربیات کارکنان بانک استفاده می‌کند.

واحد خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری خارجی، مسئول ارزیابی راهنمایی در زمینه مسایل خصوصی و سرمایه‌گذاری سیاستها و برنامه‌های مربوط به جذب جریان سرمایه‌های خصوصی در داخل و خارج برای کشورهای در حال توسعه متقاضی این گونه خدمات است.

۲-۱۲. رابطه ج. ۱. ایران با مؤسسه تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه

از اوایل دهه ۱۹۸۰، گرایش عمومی و غالب به سوی استفاده از سرمایه‌های خارجی آغاز شده است. امروزه دولت‌ها به جای استفاده از روش‌های استقراضی و منابع محدود خود، بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را در فعالیتهای اقتصادی مشارکت داده و آن را محرکه اصلی توسعه اقتصادی قرار داده‌اند و توانسته‌اند به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یابند، در حالی که ایران با موقعیت ویژه جغرافیایی در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی به رغم برخورداری از امکانات بالقوه جذاب بازار مصرف وسیع، نیروی کار و انرژی ارزان، و فور منابع طبیعی، امکان دسترسی سریع به بازارهای همسایه، مشوق‌های تولیدی به نسبت قابل توجه و غیره، هنوز نتوانسته است آن‌طور که باید در این امر مهم موفق شود. عوامل مختلفی در این عدم موفقیت نقش دارند که در این مقاله امکان بررسی آنها وجود ندارد.

به هر حال، به رغم عدم توجه به سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و تکیه بر منابع داخلی، از برنامه دوم و به ویژه برنامه سوم، توجه به جذب به سرمایه‌گذاری خارجی جلب شده است اگرچه دولت با تأخیر زیاد به این نتیجه رسیده است که تنها با اتکا به منابع داخلی نمی‌توان به رشد و توسعه اقتصادی دست یافت. زیرا، سرمایه‌گذاری خارجی تنها ورود سرمایه به کشور نیست بلکه تکنولوژی و دسترسی به مدیریت کارا و بازارهای بین‌المللی را نیز به همراه دارد، با وجود این سرمایه‌گذاران خارجی زمانی صورت خواهد گرفت

که بستر و زمینه مناسب آن فراهم شود. زیرا سرمایه گذاران خارجی مانند مرغان زیرکی هستند که در پهنه گیتی به دنبال روزی خود در پروازند و در هر سرزمینی که آب و دانه بیشتری ببینند و خطر کمتری احساس کنند، فرود می آیند و باز هم با احساس کوچکترین خطر جدی دوباره به پرواز در می آیند. بنابراین، سرمایه گذاران خصوصی برای تحصیل منافع اقدام به سرمایه گذاری می کنند و نه به دلایل نیک خواهی.

همانگونه که در مقدمه گفته شد، کشورها در بعد ملی و بین المللی تلاش می کنند که نوعی اطمینان خاطر برای سرمایه گذاران خصوصی فراهم آورند. کشور ما نیز برای بهره برداری مناسب از سرمایه گذاری خارجی، چاره ای ندارد که در این عرصه از سایر کشورهای در حال توسعه عقب نماند و شرایط مناسب حقوقی، اقتصادی و سیاسی را برای حضور سرمایه گذاران خارجی فراهم نماید.

در کنار تدوین قوانین مناسب با ثبات و مطابق استانداردهای بین المللی که در فراهم کردن زمینه اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران خارجی مؤثر است، اقدام دیگر عبارت از حضور در ترتیبات چندجانبه حمایت و تضمین سرمایه گذاران خارجی است. زیرا اگر چه اقدامات ملی مفید است ولی کشور میزبان می تواند هر زمان که اراده کند، برخلاف تعهدات خود در برابر سرمایه گذاران خارجی، بر اساس اصل حاکمیت، اقداماتی را بر علیه آنها انجام دهد. لذا عضویت در مؤسسات و کنوانسیون های چندجانبه از جمله مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چندجانبه و نیز مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری (ICSID) تعهدات بین المللی را برای دولت میزبان به وجود می آورد و دولت به سادگی نمی تواند از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کند زیرا در این صورت، مسئولیت بین المللی وی را در پی خواهد داشت.

از آنجا که تا سالهای اخیر در ایران دیدگاه مشخصی در خصوص استفاده از سرمایه گذاری خارجی وجود نداشته است، طبیعی است که نسبت به فراهم کردن شرایط مناسب برای اطمینان و اعتماد سرمایه گذاران خارجی نیز اندیشه صحیحی صورت نگرفته باشد. ولی از آنجا که عزم دولت بر استفاده از سرمایه گذاری خارجی قرار گرفته است، یکی از راههای تشویق سرمایه گذاری خارجی در ایران، عضویت در مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چندجانبه است. عضویت ایران در این مؤسسه به عنوان کشور در حال توسعه میزبان سرمایه، مزیت هایی به

همراه خواهد داشت:

اول، از آنجا که مؤسسه فقط به سرمایه گذارهای انجام شده در کشورهای عضو پوشش می‌دهد، طبیعتاً سرمایه گذاران خارجی به سوی کشورهای در حال توسعه‌ای می‌روند که در این مؤسسه عضویت دارند و با عضویت ایران، به اعتبار بین‌المللی ایران به عنوان کشور امن افزوده می‌شود.

دوم، با عضویت در این مؤسسه بر اساس کنوانسیون تأسیس، اتباع ایرانی که مایلند سرمایه‌های خود را از خارج به داخل کشور منتقل سازند ولی نمی‌توانند تحت پوشش قانون جلب سرمایه‌های خارجی ایران قرار گیرند، می‌توانند تحت پوشش تضمین مؤسسه قرار گیرند. البته مشروط به اینکه اتباع ایرانی سرمایه گذار و دولت ایران مشترکاً تقاضای تضمین نمایند و هیئت مدیره نیز با اکثریت خاص آن را تصویب نماید. این امر تأثیر زیادی در فراهم شدن زمینه بازگشت سرمایه‌های اتباع ایرانی که تعداد آنها کم نیست، دارد.

سوم، از آنجا که مؤسسه سرمایه گذارهایی را تضمین می‌کند که اقتصادی و سودآور بوده و در توسعه اقتصادی کشور میزبان مؤثر و نیز با قوانین و مقررات آن هماهنگ باشد و از طرف دیگر، برای ارایه تضمین به سرمایه گذاران، موافقت کشور میزبان (ایران) شرط است لذا یک کنترل دوجانبه برای گزینش سرمایه گذارهای مناسب به وجود می‌آید: یکی از سوی مؤسسه و دیگری از سوی دولت. بنابراین دولت می‌تواند با پوشش تضمین آن دسته از سرمایه گذارهای پیشنهادی که با سیاست‌ها و اهداف توسعه کشور سازگار نباشد، موافقت نکند.

توصیه مقاله عبارت از این است که ایران هر چه زودتر با بررسی شرایط کنوانسیون تأسیس به عضویت مؤسسه در آید. از لحاظ مقررات داخلی و قانون اساسی، مانع قانونی برای الحاق به کنوانسیون تأسیس و عضویت وجود ندارد جز اینکه کنوانسیون مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز باید برسد. طبیعتاً عضویت در این مؤسسه مانند سایر سازمانهای مالی و اعتباری مستلزم پرداخت هزینه و خرید سهام و سایر تعهدات می‌باشد که دولت موظف است در صورت عضویت آنها را رعایت کند.

جمع‌بندی و ملاحظات

بدون تردید نقش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورها و در نتیجه اقتصاد جهانی، غیرقابل انکار است. در گذشته، به دلیل نگرش‌های منفی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی و وجود سایر امتیازات از جمله شرایط مناسب سرمایه‌گذاری، جریان‌های سرمایه به سوی کشورهای توسعه یافته صنعتی حرکت می‌کردند. در دهه‌های اخیر، دولت‌های کشورهای در حال توسعه متوجه نقش مهم سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی کشورهاشان شده‌اند و پیش‌زمینه‌های منفی، کمتر بر نگرش جدید آنها به سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر گذاشته است.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی نیز بنا به دلایلی مانند وجود بازارهای بزرگ، مواد اولیه فراوان و نیروی کار ماهر و غیرماهر ارزان و... تمایل دارند در کشورهای در حال توسعه اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند. با وجود این تمایل دوجانبه، بر سر راه این جریان به سوی کشورهای در حال توسعه موانعی وجود دارد که یکی از مهمترین آنان وجود خطرات غیرتجاری (مانند سلب مالکیت، انقلاب، شورش، نقض قرارداد...) است.

از جمله شیوه‌های مؤثر در کاهش زیان‌های ناشی از این خطرات و در نتیجه جلب اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی، فراهم نمودن تضمین‌ها و پوشش‌های بیمه‌ای است. به دلیل بزرگ بودن خطرات و زیان‌های ناشی از آن که گاهی باعث از بین رفتن کل سرمایه‌گذاری می‌شود از یک سو، و ارایه حق بیمه بالاتر از سوی بیمه‌گران خصوصی از طرف دیگر، باعث شده که این بیمه‌گران نتوانند پوشش مناسب و لازم را ارایه دهند. لذا مشاهده می‌گردد که در بعد داخلی، خود کشورهای صادرکننده سرمایه وارد عمل شده و از طریق مؤسسات دولتی یا شعبه دولتی اقدام به ارایه طرح‌های بیمه ملی در خصوص سرمایه‌گذاران تبعه خود در کشورهای در حال توسعه علیه خطرات غیرتجاری نموده‌اند. این‌گونه اقدامات، اگرچه در تسریع روند جریان سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارند ولی به دلیل این که پوشش بیمه‌ای ارایه شده فقط اتباع کشورهای صادرکننده سرمایه (پیشنهاد دهنده سرمایه) را در بر می‌گیرد و در بعضی موارد حتی کشور میزبان خاصی را مد نظر قرار می‌دهند و از سوی دیگر، کشورهای صادرکننده سرمایه در ورای پوشش بیمه‌ای در پی اهداف و منافع ملی خود می‌باشند، نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای جهان

سرمایه گذاری باشند و از طرف دیگر، تمام کشورهای در حال توسعه به طور یکسان می توانند از چنین پوشش های بیمه ای سود ببرند و سرمایه گذاری های مناسب را انتخاب نمایند.

بنابراین، وجود مکانیسم های بین المللی که با هدف صرفاً تشویق سرمایه گذاری خارجی تأسیس شوند و بتوانند به تمام سرمایه گذاران و سرمایه های واجد شرایط پوشش بیمه ای ارائه نمایند. از ضروریات اقتصاد جهانی به شمار می آید.

به علاوه، از رویارویی مستقیم کشورها در قضایایی مانند ملی شدن و سلب مالکیت می کاهد و باعث کاهش اختلافات و تنش های بین المللی می شود.

به همین لحاظ با تلاش بانک جهانی، کنوانسیون تأسیس مؤسسه تضمین سرمایه گذاری چندجانبه (۱۹۸۵) تهیه و به تصویب کشورهای عضو رسید و از سال ۱۹۸۸ رسماً کار خود را آغاز کرد. در واقع، کنوانسیون مذکور نخستین سیستم چندجانبه بیمه سرمایه گذاری را بر ضد خطرات غیرتجاری در کشورهای میزبان ایجاد نمود. امتیاز این سیستم را می توان در چند بند خلاصه کرد:

۱. ارایه یک سیستم کامل و جامع پوشش بیمه ای که سرمایه گذاری از کشورهای متعدد را در بر می گیرد.

۲. توجه به مناسب بودن سرمایه گذاری و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه.

۳. امکان همکاری با بخش وسیعی از بیمه گران و بیمه گران اتکایی خصوصی، ملی و منطقه ای در سطح جهان و تقویت و تشویق آنها به ارایه پوشش بیمه ای برای خطرات غیرتجاری.

۴. ایفای نقش بیشتر در ایجاد یک محیط مناسب برای سرمایه گذاریهای خارجی از طریق ارایه خدمات مشاوره ای تخصصی به کشورهای در حال توسعه میزبان.

منابع

پی نوشت ها

۱. امینی، امیر هوشنگ. جلب مشارکت خارجی در سرمایه گذاری و تولید یا استقراض و ائتلاف منابع، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۱، فروردین ۱۳۷۸، ص ۴.
۲. سرمایه گذاری خارجی، اشتیاقی که پشت سر مشکلات مانده است (گزارش ویژه)، تدبیر شماره ۹۱، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۶۵.
3. I. Siedl. Hohenveldern, **International Economic Law** (Netherlands, Martinus Nijhoff, 1989) p. 155.
4. ibid
5. ibid
6. P.T. Muchlinski, **Multinational Enterprises and the Law** (Britian, Blackwell Publishers Inc., 1995) P.514
7. USA Economic Cooperation Act of 1948.
8. Mutual Security Act of 1951.
9. S.A. Riesenfeld, **Foreign Investments, Encyclopedia of Public International Law**, Vol. 8, Amsterdam: North Holland, 1985, P. 247.
10. Ibid, P. 248.
11. Z.A Kronfoi, **Protection of Foreign Investment: A study in International Law** Netherlands, A. W. Sijthoff Leiden, 1972, P. 36.
12. Overseas Private Investment Corporation.
13. Export, Finance and Insurance Corporation.
14. Danish International Development Agency.
15. Norwegain Agency for Development Aid.
16. Export Insurance Division, Ministry of International Trade and Industry.
17. Export, Development Corporation

18. El. Nwogugu, **Legal Problems of Foreign Investments**, Hague Recueil, V (153), 1976, P. 188.
19. P.T. Muchlinski, op. cit, p. 515.
20. S.A. Riesenfeld, op, cit., p. 248.
21. E.I. Nwogugu op. cit., p. 189.
22. Z.A. Kronfol. op. cit., p. 37; S.A. Riesenfeld, op. cit., p. 248.
23. Z.A. Kronfol. op. cit., p. 37
24. Ibid, P. 38.
25. P.T. Muchlinski, op. cit, p. 515.
26. I. Seidl - Hohenveldern, op. cit. p. 156.
27. Ibid, P. 155.
28. E.I. Nwogugu op. cit., p. 189.
29. Ibid.
30. Canadian Export Development Act of 1969.
31. Ibid.
32. UK Export and Investment Guarantees Act of 1991.
33. P.T. Muchlinski, op. cit, p. 515.
34. E.I. Nwogugu op. cit., p. 189.
35. A. Akinsaya, op. cit., p. 68.
36. P.T. Muchlinski, op. cit, p. 515.
37. E.I. Nwogugu op. cit., p. 190.
38. C.M. Schmitthoff, **Export Trade** (9th edn, Stevent, 1990) P. 483.
39. P.T. Muchlinski, op. cit, p. 515.
40. Z.A. Kronfol. op. cit., p. 36.

۴۱. ژان شاپیرا، حقوق بین الملل بازرگانی، ترجمه ربیعا اسکینی (تهران، انتشارات و آموزش

انقلاب اسلامی، (۱۳۷۱) ص ۱۷۶.

42. A. Akinsaya, op, cit., p. 68.
43. Phelps Dodge Corp. and Overseas Private Investment Corporation V. the Islamic Republic of Iran, Case No. 99, Chamber Two, Award No. 217-99-2 of March 1986.
44. A. Akinsaya, op. cit., p. 70.
45. I. Seidl - Hohenveldern, op. cit, p. 156.
46. Overseas Investment Insurance Group (OIIG).
47. E.I. Nwogugu op, cit., p. 190.
۴۸. انصاری، احمدرضا و دیگران، سرمایه‌های فیزیکی خارجی و روش‌های جذب آن (تهران، معاونت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۴) ص ۹۴.
49. About MIGA, [http://www.miga.org/screens/about/Convent/. htm](http://www.miga.org/screens/about/Convent/.htm).
50. Convention Establishing the Multilateral Investment Guarantee Agency.
51. Ibid.
52. S.K. Chatterjee, The Convention Establishing the Multilateral Investment Guarantee Agency, I.C.L. Q., Vol. 36, No. 58 (1987) p 7.
۵۳. گلریز، حسن. سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی (چاپ دوم: تهران، مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۲) ص ۲۲۳.
۵۴. احمدرضا انصاری و دیگران، همان ص ۹۶.
۵۵. همان ص ۹۵.
56. Article 4.
57. Article 61.
58. Article 7,8.
59. Articles 39,40.
60. Article 13 (a).

61. Article 13 (b).
62. Article 13 (c).
63. Article 12 (a).
64. About MIGA, op. cit.
65. Article 12 (b).
66. About MIGA, op. cit.
67. Article 12 (d).
68. About MIGA, op. cit.
69. Article 12 (c).
70. Creeping Expropriation.
71. Article 11.
۷۲. احمدرضا انصاری و دیگران، همان ص ۱۰۱.
73. Article 16.
74. Article 14.
۷۵. حسن گلریز، همان، ص ۲۳۶.
۷۶. همان، ص ۲۳۷.
77. Products and Services, <http://www.miga.org/screens/services>.
۷۸. حسن گلریز، همان، ص ۲۳۸.
79. Publications, <http://www.miga.org/screens/pubs>.
80. Article 22.
81. Ibid.
۸۲. حسن گلریز، همان، ص ۲۳۱.
۸۳. همان.
84. Article 17.
85. Article 18.

86. Article 57 & Annex II.

87. Article 58.

88. Article 19.

89. Article 20.

90. Article 21.

۹۱. حسن گلریز، همان، ص ۲۲۵.

۹۲. احمد رضا انصاری و دیگران، همان ص ۲۰۱.

